



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گو
با ابراهیم
حاتمی کیا به
مناسبت روز ملی
سینما

نظرات رهبر انقلاب درباره فیلم هایم دقیق و حمایتی است

شما درباره سختی کار و تکنیک جلوه‌های بصری توضیح دادید، درباره شرایط ساخت سریال هم توضیح بدهید.

ابتدا یک سوله کوچک حدود سیصد متر مربع داشتیم و در آن آزمایش‌هایی انجام دادیم، حتی استخر درست کردیم تا نیل را نشان دهیم. بعد به سوله بزرگ‌تر آمدیم و فیلم سینمایی را شروع کردیم. حتی با محدودیت فضا، پلان‌ها را تک‌تک گرفتیم و به هم وصل کردیم تا یک حجم کامل ایجاد شود. ما هر روز کار می‌کنیم و با همه قوا پیش می‌رویم.

آورده حضرت موسی برای ایران امروز چیست؟

حضرت موسی برای قوم بنی اسرائیل زحمت کشیده تا راهی نشان دهد و تحملشان را بالا ببرد. قرآن می‌گوید ماجرای بنی اسرائیل برای امت پیامبر هم پیش می‌آید. بنی اسرائیل فقط قوم یهود نیست؛ خلق و طبیعتی دارند که درس‌هایشان برای همه قابل فهم است. حضرت موسی معجزه و سختی کشیده تا راه هدایت را نشان دهد و این مسائل امروز هم آموزنده است.

یعنی این پروژه برای شما صرفاً مذهبی نیست؟

نه، هم مذهبی است و هم اجتماعی و ملی. نگاه من این است که باید واقعیت‌ها را نشان داد و همه ابعاد را در نظر گرفت. آقا هم معتقدند ابزارهای مدرن و سینما ظرفیت بالایی برای انتقال معارف دارند.

با رهبر انقلاب چقدر در ارتباط بودید؟

از سال ۱۳۶۸ فیلم‌هایم را به ایشان نشان می‌دادم، از «مهاجر» شروع شد. در طول این سال‌ها همیشه نظراتشان دقیق و حمایتی بود. مثلاً برای فیلم «آژانس شیشه‌ای» تشویق کردند و حتی مرا برای اولین بار به مکه فرستادند.

در مورد جنگ دوازده روزه اخیر چه نظری دارید؟

توفیق من این بود که فیلم‌هایم از تلویزیون پخش شد و آرامش ایجاد کرد. آن دوازده روز، گنجی برای کشور بود و امیدوارم نسل جدید از آن استفاده کند. نیروهای جوانی که در آن شرایط ایستادند، شبیه کاراکترهای فیلم‌های من هستند و این برای من الگو و مباحث است.

درباره همکاران سابق نیروی هوایی سپاه چه احساسی داشتید؟

مباحث می‌کنم و دوست داشتم در اتاق‌های جنگ حضور داشته باشم. امیدوارم اگر در این عرصه هستیم، عاقبت‌مان ختم به شهادت شود، مثل زندگی آقای سلامی و باقری که در اوج تمام شد.

در یکی از سوله‌های خارج تهران، با ابراهیم حاتمی کیا درباره پروژه عظیم سینمایی و تلویزیونی حضرت موسی گفت‌وگو کردیم. سوله‌ای که پر از وسایل و آکسسوارهای پروژه بود و گرمای تابستان فضای آن را دم‌کرده کرده بود. در ادامه بخشی از گفت‌وگوی مفصل و طولانی با ابراهیم حاتمی کیا را می‌خوانید.

بله، با توان تلویزیون و بودجه کشور فکر نمی‌کردم این کار امکان‌پذیر باشد. تا اینکه با ایده کار مجازی و جلوه‌های بصری کامپیوتری آشنا شدیم که هیچ کس تجربه آن را در ایران نداشت. باید خودمان تک‌تک عناصر را کنار هم می‌گذاشتیم و تجربه کسب می‌کردیم. فرنگی‌ها کار کرده بودند، اما نه به گستردگی و عمقی که ما می‌خواستیم.

با این حال، بعضی دوستان نقد هم کردند؟

بله، بعضی اهل قلم گفتند «چرا وارد این حوزه می‌شود؟ این عرصه مال او نیست!» و حتی درباره هزینه‌ها و ساخت استودیو حرف زدند. ته دلم می‌گفتم «خدا یا! آیا از پس این کار برمی‌آیم؟» این دغدغه یک فیلم‌ساز است، به اضافه ریسک کار با تکنیک جدید و محیط بسته.

پس چه چیزی شما را نگه داشت؟

من پنج سال صبر کردم و ایستادم چون سرباز آقا هستم و ایشان گفته‌اند پای این کار بایستیم. حضرت موسی یکی از انبیای بزرگ است و قرآن سیصد و اندی آیه درباره او دارد. مأموریت و نیت من این بود که کار را به بهترین شکل انجام دهم و خوشحالم که نتیجه اولیه را دیدیم و بازخورد خوبی از مردم گرفت.

فیلم سینمایی که ساخته شد، چه تأثیری داشت؟

فیلم سینمایی صدوسی دقیقه‌ای ما نزدیک هزار دقیقه فیلم‌نامه را خلاصه کرده بود. مهم بود که ببینیم چه کسانی به سینما می‌آیند و چه واکنشی نشان می‌دهند. تصور اولیه من این بود که مذهبی‌ها بیشتر جذب شوند، ولی طیف غیرمذهبی هم با فیلم ارتباط عاطفی برقرار کردند و این باعث شد تجربه ارزشمندی برای سریال بعدی کسب کنیم.

پس تجربه فیلم سینمایی به شما کمک کرد؟

بله، فهمیدیم چه نکاتی را باید بیشتر یا کمتر بگوییم و در چه مواردی به مدارک دینی نزدیک شویم. پنج سال مشغول این تجربه بودم و حتی در کرونا هم کار را تعطیل نکردم. حالا با انرژی وارد سریال می‌شویم و مأموریت ادامه دارد.

برای شروع، کمی درباره زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری پروژه فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» توضیح بدهید.

من داشتم در مورد حاج قاسم کار می‌کردم؛ حدود شش ماه وقت گذاشته بودم و درباره عملیات بوکمال تحقیق می‌کردم و تقریباً ساختار کار و فیلم‌نامه را به دست آورده بودم که یک موانعی به دلیل آن موقعیت‌ها جلوی پایم افتاد که الان نمی‌خواهم در موردش حرف بزنم. بعد قصه حضرت موسی به من پیشنهاد شد؛ می‌دانستیم آقای سلحشور - خدا رحمت کند - قرار بود کار کند و بعد آقای شوره‌جه هم قرار بود کار را ادامه دهد، ولی آن‌ها هم نتوانستند و پروژه بر زمین مانده بود. به چند نفر هم پیشنهاد دادیم که بیایند، ولی یا نمی‌توانستند یا شرط‌هایی داشتند که به من برخورد؛ یعنی دلخور شدم که باید منت بکشیم تا کار قرآنی حضرت موسی انجام شود.

پس شما بایک «بله» کوچکی وارد این حوزه شدید؟

بله، ولی با خودم می‌گفتم من فیلم‌ساز قصه‌های اجتماعی در حوزه نسل جنگ هستم و حالا وارد حوزه‌ای می‌شوم که تجربه‌ای در آن ندارم؛ این جهان سینمای تاریخی و مذهبی برای من کاملاً تازه بود. همه این‌ها دغدغه من بود و باعث تردید می‌شد، اما وقتی از خود آقا اذن گرفتم و ایشان موافقت کردند، تمام تردیدهایم برطرف شد؛ نامه نوشتم و راهنمایی ایشان را خواستم که آیا در پروژه موسی باشم یا نه.

پس شما خودتان را مأمور می‌دیدید؟

دقیقاً، من مأمور و سرباز هستم و وقتی مأموریتی می‌گیرم، وارد می‌شوم. فیلم‌نامه‌های اولیه که توسط آقای سلحشور و بعد بهمین پور نوشته شده بود با روش من نمی‌خواند، باید بازنویسی می‌کردم. بازنویسی طول کشید چون باید روی آن کار می‌کردم تا آماده شود. از همان اول فهمیدم برای چنین فیلم عظیمی لوکیشن‌ها و مکان‌های مفصلی لازم است، هر فصل حدود ۱۱۰ هکتار زمین و ساختمان مقاوم می‌طلبید.

یعنی فکر می‌کردید عملی نیست؟

